

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

**بررسی و مقایسه آداب و رسوم اجتماعی مردم
در سمک عیار و داراب نامه طرسوسی**

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا موحدی

استاد مشاور:

دکتر محمود مهرآوران

نگارنده:

فائزه حاتمی نیا

پائیز ۱۳۸۹

تقدیم به

پدر و مادر مهربانم

همسر و فرزندان نازنینم

اگر قرار است آن چنان که شایسته است قدر آنان دانسته شود
باید ستارگان سعد فلک در پای شان ریخته شود
ولی از من جز این اندک بیان چیزی ساخته نیست

سپاس

حمد و سپاس بی‌منتها، ذات اقدس خداوندی را سزد که در سایه رحمتش، اسباب اندیشیدن و تعقل را فراهم نمود. در ابتدا از جناب آقای دکتر موحدی که در طول دوره تحصیل، هدایت گر بنده بوده‌اند و نیز در کسوت استاد راهنما، برای به ثمر رسیدن این تلاش علمی، بی‌شائبه زحمات زیادی را متحمل شدند قدردانی می‌نمایم.

هم‌چنین از آقای دکتر مهرآوران - استاد مشاورم - که در پیشبرد این پایان‌نامه با مشاوره‌های خود مرا کمک نمودند سپاسگزارم.

و نیز دستان پرمهر پدر و مادرم را می‌بوسم که برای رشد و تعالی من زحمات زیادی را به جان خریدند و از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

در پایان نیز از همسر مهربانم و دو فرزند دلبندم، به خاطر تحمل سختی‌های دوره تحصیل و کمک‌های بی‌دریغ‌شان تشکر و قدردانی می‌نمایم.

چکیده:

این رساله در صدد مقایسه میان آداب و رسوم اجتماعی مطرح شده در دو کتاب «سمک عیار» و «داراب نامه طرسوسی» است. هرچند در این دو اثر به آداب و رسوم و عادات و خلق و خوی درباریان و طبقات اشراف و قدرتمند جامعه اهمیت ویژه ای داده می‌شود، اما در لابه‌لای داستان‌های این دو کتاب می‌توان مطالبی مربوط به مردم کوی و برزن و سنت‌ها و معتقدات آن‌ها یافت.

با مطالعه این داستان‌ها متوجه موارد فراوانی از مطالب مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌شویم. این موارد می‌تواند ابتدا ما را با فولکلور جامعه ایرانی آشنا کند و سپس زمینه‌ای را برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بین ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی و ... فراهم آورد.

در پژوهش حاضر سعی شده تا مواردی را که به فرهنگ مردم مربوط بوده است، گردآوری کرده، به طبقه‌بندی و تنظیم موضوعی آن پردازیم تا مجموعه‌ای به دست آید که ما را در شناخت فرهنگ ایرانی در قرن ششم یاری دهد و راهنمای ما در یافتن منشأ و ریشه آدابی باشد که امروزه نیز در جامعه به چشم می‌خورد.

در پایان به این مطلب رسیدیم که این دو اثر بیانگر تشابهات فرهنگی زیادی هستند که برخی از این رسوم امروز نیز به چشم می‌خورد و اینکه «سمک عیار» برای بررسی‌های فرهنگی منبع غنی‌تر و مناسب‌تری است.

واژه‌های کلیدی: سمک عیار، داراب‌نامه، آداب و رسوم، مردمی، فرهنگ ایرانی

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۱	مقدمه
۴	بخش اول: کلیات
۵	۱- فولکلور یا فرهنگ عامیانه مردم
۹	۲- معرفی آثار
۹	الف) سمک عیار
۱۵	ب) داراب نامه
۱۸	۳- تعریف عیاری
۲۰	ویژگی های عیاران
۲۵	وسایل عیاری
۲۶	بخش دوم: آداب اجتماعی
۲۸	فصل اول: پوشش مردم
۳۰	۱-۱- پوشش زنان
۳۱	الف) پوشش و زینت زنان در سمک عیار
۳۴	ب) پوشش و زینت زنان در داراب نامه
۳۶	۱-۲- پوشش مردان
۳۶	الف) پوشش و زینت مردان در سمک عیار
۳۸	ب) پوشش و زینت مردان در داراب نامه
۴۱	۱-۳- پوشش ها و لباس های ویژه
۴۸	فصل دوم: خوراک و غذای مردم
۴۹	الف) آداب خوردن در سمک عیار
۵۳	ب) آداب خوردن در داراب نامه
۶۱	فصل سوم: شادی ها و غم ها
۶۲	۳-۱- شادی ها
۶۳	۳-۱-۱- جشن ها

۶۵ ۲-۱-۳- اعیاد
۶۶ ۳-۱-۳. مجلس بزم و مطربی
۷۰ ۴-۱-۳. مراسم ازدواج
۷۸ ۲-۳- غم ها
۷۹ الف) آیین سوگواری و غم در سمک عیار
۸۲ ب) مراسم سوگواری در داستان داراب‌نامه
۸۸ فصل چهارم: ساخت و ساز در شهرها
۸۹ الف) شهر در سمک عیار
۹۷ ب) شهر در داراب‌نامه
۱۰۱ فصل پنجم: عقاید و مثل ها
۱۰۲ ۱- عقاید
۱۰۳ الف) عقاید در سمک عیار
۱۰۸ ب) عقاید در داراب‌نامه
۱۱۲ ۲- ضرب‌المثل
۱۱۴ الف) ضرب‌المثل در سمک عیار
۱۱۸ ب) ضرب‌المثل و اصطلاحات در داراب‌نامه
۱۲۴ فصل ششم: مشاغل
۱۲۵ الف) مشاغل در سمک عیار
۱۳۳ ب) مشاغل در داراب‌نامه
۱۴۱ فصل هفتم: بازی و سرگرمی
۱۴۳ الف) بازی و سرگرمی در سمک عیار
۱۴۷ ب) بازی و سرگرمی در داراب‌نامه
۱۵۰ فصل هشتم: فرهنگ تعلیم و تربیت
۱۵۲ الف) تعلیم و تربیت در سمک عیار
۱۵۸ ب) تعلیم و تربیت در داراب‌نامه
۱۶۲ فصل نهم: دین و آیین
۱۶۳ الف) دین و آیین در سمک عیار
۱۶۷ ب) دین و آیین در داراب‌نامه

۱۷۷	فصل دهم: زندگی اسرار آمیز
۱۷۸	۱- سحر و جادو
۱۷۹	الف) جادو در سمک عیار
۱۸۲	ب) سحر و جادو در داراب نامه
۱۸۵	۲- پیشگویی و طالع بینی
۱۸۵	الف) پیش گویی در سمک عیار
۱۸۸	ب) پیش گویی در داراب نامه
۱۹۲	۳- شخصیت های اساطیری
۱۹۴	الف) اسطوره در سمک عیار
۱۹۹	ب) اسطوره در داراب نامه
۲۰۳	۴- موجودات خارق العاده
۲۰۴	الف) موجودات خارق العاده در سمک عیار
۲۰۴	ب) موجودات خارق العاده در داراب نامه
۲۱۰	بخش سوم: آداب نظامی
۲۱۴	الف) آداب نظامی در سمک عیار
۲۲۶	ب) آداب نظامی در داراب نامه
۲۳۷	مقایسه
۲۴۱	نتیجه گیری:
۲۴۲	منابع و مآخذ

مقدمه

متون کهن فارسی از زوایای گوناگون قابل مطالعه و بررسی است. از جمله می‌توان آن‌ها را از نظر جامعه‌شناسی پیشینیان مورد ارزیابی قرار داد. نگرش از این زاویه ما را با آداب و رسوم و آیین‌ها و معتقدات، شیوه حیات و زیست اجتماعی ایرانیان در روزگار گذشته، شناخت تحولات اجتماعی و دگرگونی باورها و نیز چند و چون تداوم برخی از سنت‌ها آشنا می‌سازد.

داستانهای قدیمی همواره گنجینه‌ای عظیم و میراثی معنوی به شمار می‌رفته که نسل به نسل و سینه به سینه حفظ شده و دربر دارنده نکات بسیار مهمی از فولکلور مردم بوده است که قرن‌ها بعد به صورت مکتوب درآمد و امروزه ارزش و اعتباری صد چندان یافته است. در دنیای امروز با مطالعه و بررسی اصطلاحات، معتقدات، امثال، افسانه‌ها، ترانه‌ها و آداب و عادات و رسوم یا به عبارت ساده‌تر همه سنت‌های پیشینیان است که به عمق روح یک ملت و طرز زندگی و تفکر آن‌ها پی برد. از همین روست که در همه ممالک تقریباً از یک قرن قبل بزرگانی تلاش کرده‌اند تا این ویژگی‌ها با عواملی مثل گذر زمان و تغییراتی که در زندگی مردم هر قرن به سبب سیر صعودی علم و فرهنگ و تمدن و گسترش ارتباطات و یا حتی رخ دادن جنگ‌ها و مهاجرت‌هایی رخ می‌دهد، از بین نرود و به فراموشی سپرده نشود، به جمع‌آوری و حفظ آثاری بپردازند که به نوعی یادآور فرهنگ نیاکان‌شان باشد. حال چه این آثار حالت مادی داشته باشند مثل انواع لباس‌ها، وسایل جنگ و اثاث منزل و سکه‌ها و ... که امروزه با دقت و نظارت قابل توجهی در موزه‌ها نگهداری می‌شوند تا نسل حاضر و آیندگان با دیدن آن با فرهنگ مردم در قرن‌های متفاوت آشنا شوند و یا به صورت آثار معنوی از قبیل افسانه‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها و داستان‌های عامیانه که در هزارها جلد کتاب جمع‌آوری شده و در اختیار نسل‌ها قرار می‌گیرد تا با مطالعه و خواندن آن با تاریخ و نوع زندگی و گفتار مردم گذشته آشنا شوند. داستان‌های عامیانه که در واقع اغلب جزو همان ادبیات شفاهی بوده و بعدها به صورت مکتوب درآمدند، یکی از بهترین منابع برای آشنا شدن با فرهنگ و فولکلور مردمند.

برای انجام این کار، ابتدا به جستجو پرداختیم تا به پیشینه‌ای از کارهای انجام شده روی این آثار دست یابیم.

نتیجه حاصل اینکه این آثار از این دریچه مورد بررسی قرار نگرفته بودند و کارهای انجام شده شامل موارد زیر بود.

۱. مقایسه عناصر داستانی در سمک عیار و شکسپیر

۲. بررسی شخصیت زن در سمک عیار و داراب نامه

۳. ویژگی‌ای عیاری در سمک عیار

۴. بررسی نکات جامعه‌شناسی در سمک عیار

به همین علت این دو داستان قدیمی را از این منظر مورد بررسی قرار دادیم تا بتوانیم با سنت‌ها و عقاید مردم در قرن شش آشنا شویم.

در نگارش این رساله سؤالات زیر بیشتر مد نظر بوده است.

۱. مؤلفان این آثار در اثر خود تا چه اندازه آداب و رسوم مردم و عقاید عامیانه را به نمایش گذاشته‌اند؟

۲. آیا باورها و آداب و رسوم مردم جامعه ما کاملاً ریشه در گذشته دارد یا این که افکار و فرهنگ جدید و مستقل از گذشته، زندگی امروز ما را شکل می‌دهد؟

۳. این آثار آیا از نظر بازنمایی اندیشه و تفکر مردمی، وجوه اشتراکی دارند؟

۴. با توجه به اینکه آثار مربوط به قرن ششم هستند به چه نکات اجتماعی و اخلاقی و سنت‌های خاص آن دوران اشاره شده است؟

با در نظر گرفتن این سؤالات برای یافتن پاسخ مناسب ابتدا کتاب‌هایی را پیرامون فرهنگ و فولکلور مردم مطالعه کرده و سپس داستان‌های مورد نظر را با این دید و نگرش، بررسی و فیش‌های لازم را تهیه و سپس دسته‌بندی و طبقه‌بندی کردم و رساله خود را در سه بخش به نگارش درآوردم، شامل:

بخش اول: که بیان کلیات است و خود شامل:

۱. تعریف فولکلور

۲. معرفی آثار

۳. ویژگی عیاران

بخش دوم که در خلال آن آداب و رسوم و معتقدات اجتماعی مردم مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و مهم‌ترین قسمت رساله محسوب می‌شود تحت ده عنوان زیر تنظیم شد.

۱. پوشش مردم

۲. خوراک مردم

۳. شادی و غم

۴. نوع ساخت و ساز شهرها

۵. عقاید و مثل‌ها

۶. مشاغل

۷. بازی و سرگرمی

۸. تعلیم و تربیت

۹. دین و آیین

۱۰. زندگی اسرار آمیز

بخش سوم نیز شامل آداب نظامی و کلیه مسائل مربوط به آن است، که بسیار مختصر به آن پرداخته‌ام.

سپس به مقایسه و نتیجه‌گیری از مطالبی که در فصل‌های فوق بیان شد، پرداخته‌ام.

در قسمت نتیجه‌گیری تقریباً به جواب تمامی سؤالاتی که ابتدا به ذهنم رسیده بود دست یافتم و آنها را تحت چهار عنوان ذکر کرده‌ام.

امید است نتایج این تحقیقات پرتوی به شناخت آداب و رسوم مردمان قرن‌های گذشته

افکند و برای پژوهش‌های تاریخی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ... سودمند باشد.

بخش اول

کلیات

ابتدا لازم است بیان کنیم منظور ما از آداب و رسوم اجتماعی مردم چیست و این عنوان شامل چه مباحث و چه آدابی است. هم‌چنین ضرورت ایجاد می‌کند که مختصری در باب معرفی این دو کتاب، توضیح داده شود تا آگاهی نسبی در ذهن خواننده نسبت به این دو اثر ایجاد شود و سپس از آن‌جا که در این آثار به ویژه **سمک عیار** مباحثی پیرامون عیاران و عیاری بیان شده است، به تعریف و بیان ویژگی‌های عیاری می‌پردازیم.

۱- فولکلور یا فرهنگ عامیانه مردم

فرهنگ عامیانه و فولکلور چیست؟ می‌دانیم که مفهوم فرهنگ نزد مردم و رشته‌های علمی (جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم اجتماعی، ادبیات و ...) بسیار متفاوت است و کاربرد عمومی «فرهنگ» نزد مردم عادی جامعه یکسان نیست و هر فردی با دید خود فرهنگ را تعریف می‌کند. هر جامعه بر حسب معیاری که دارد، گروهی را با فرهنگ و گروهی را بی‌فرهنگ می‌داند. گاهی فرهنگ را برابر با شغل افراد می‌دانند و صاحبان برخی مشاغل مانند پزشکان و مهندسين... را با فرهنگ می‌دانند، گاهی نوع پوشاک نشان دهنده فرهنگ افراد است و گاهی میزان تحصیلات و علم، نوع زندگی، اخلاق اجتماعی و ... را فرهنگ می‌دانند. اما نکته قابل توجه این است که بین این تعاریف و تعریف‌های آکادمیک تفاوتی از زمین تا آسمان به چشم می‌خورد.

«اولین تعریف علمی فرهنگ، توسط **تایلور** (sir edward barent taylor) در کتاب **فرهنگ اولیه** که در سال ۱۸۷۱ منتشر شد، آمده است. او می‌گوید: فرهنگ عبارت است از مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، عقاید، اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم و سایر آموخته‌ها و عاداتی که انسان به عنوان یک عضو جامعه کسب می‌کند. شاید بتوان گفت که بیش از چهارصد تعریف از فرهنگ موجود است که بعضاً یکدیگر را کامل می‌کنند و یا به نکته‌ای بیشتر اهمیت داده و به آن کلیت می‌بخشند.»^۱

۱. محسنی، منوچهر، **جامعه‌شناسی عمومی**، انتشارات طهوری، تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹، ص ۲۰۳.

این تعاریف همان‌طور که اشاره شد نزد علوم گوناگون کمی متفاوت است. به عنوان نمونه گراهام والاس (Graham Wallas) جامعه‌شناس انگلیسی، فرهنگ را توده‌ای از افکار و خصوصیات و اشیاء می‌داند که حکم میراث اجتماعی دارد و به وسیله دانش از نسلی به نسل دیگر می‌رسد و صورت مستقلی از مبنای ارثی را که از پدر و مادر به فرزند می‌رسد دارد.

و همین‌طور «گوستاو کلم» اعتقاد دارد که فرهنگ یعنی آداب و رسوم، اطلاعات، تخصص‌ها و علم و هنر و زندگی خانوادگی و مذهبی مردم، و زمانی بیان می‌شود که تجربیات و معلومات پیشینیان به جوانان منتقل می‌شود.^۱

اما این تعریف نزد ادیبان کمی متفاوت است. آن‌ها فرهنگ را به نوعی دیگر بیان می‌کنند که تقریباً مشابه و نزدیک به تعاریف جامعه‌شناسی است.

اولین بار آمبرواز مورتن (Ambrose Morton) در ۱۸۸۵ میلادی آثار باستان و ادبیات توده را دانش عوام و فولکلور نامید. فولکلور جامع‌ترین لغتی است که شامل تمام دانش عوام می‌شود.

از نظر سن تيو (Saint Ties) فولکلور به مطالعه زندگی توده عوام در کشورهای متمدن می‌پردازد؛ به عبارتی او فولکلور یا ادبیات توده را در مقابل فرهنگ رسمی می‌داند به این معنی که مواد فولکلور نزد مللی یافت می‌شود که دارای دو پرورش باشند. یکی مربوط به طبقه تحصیل کرده و دیگری مربوط به طبقه عوام.^۲

به طور کلی می‌توان گفت که فولکلور آشنایی با پرورش معنوی اکثریت است در مقابل پرورش مردمان تحصیل کرده در میان یک ملت متمدن.

تعریف و معنی فولکلور در طی این سالیان دستخوش تغییرات زیادی شده است. ابتدا محققین فولکلور آن را فقط ادبیات توده می‌دانستند. اما بعد از مدتی تمام سنت‌هایی که مردم خارج از مکان‌های تحصیلی فرامی‌گرفتند، به آن افزوده شد و به مرور زمان موارد دیگری مثل

۱. همان، ص ۲۰۴

۲. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، نشر چشمه، ص ۲۲۳.

اعتقادات، طب، مراسم‌ها، ... که در زندگی عمومی مردم وجود دارد نیز به این تعاریف افزوده گردید. امروزه فولکلور معنی بسیار گسترده‌ای را دارد. معنی‌ای که به نوعی شاید تمام مواردی که در جامعه وجود دارند را شامل شود. به گونه‌ای که حتی فرهنگ هم زیرمجموعه‌ی آن محسوب شود.

ادبیات فولکلور بیشتر شامل آثاری می‌شود که به صورت شفاهی در جامعه وجود داشته و سال‌ها و قرن‌ها بعد توسط افرادی گردآوری و حالت مکتوب به خود گرفته است. این آثار معمولاً به زبان ساده نوشته شده اند (دو اثر مورد بحث ما نیز شامل این بخش از ادبیاتند). این داستان‌ها را می‌توان به عنوان گونه‌ای از ادبیات به حساب آورد که حد واسط برای ادب حماسه و ادبیات داستانی محسوب می‌شوند.

«ادبیات داستانی غالباً به سبب اهداف تربیتی مورد توجه است که در دوره‌های گوناگون، هم مطلوب طبع طبقه حاکم و هم مطابق سلیقه مردم عادی بوده است. قصه‌های حیوانات و یا داستان‌هایی مانند هزار و یک شب که به دنبال اهداف تربیتی هستند، حتی اگر به صورت مکتوب انتقال یافته باشند و حتی با وجود توسعه و تکامل برخی از موضوع‌ها و کم‌رنگ شدن برخی از موضوع‌های منحصر به فرد دیگر، به ادبیات فولکلور شباهت زیادی دارند.»^۱ انواع متفاوت افسانه‌ها و قصه‌ها و حکایت‌ها، ... جزء منابع اصلی و مهم گذشتگان نقل می‌شوند. چرا که هر کدام از این افسانه‌ها و قصه‌هایی که سینه به سینه از گذشتگان نقل می‌شود، پر از موارد و نکته‌هایی می‌باشد که به نوعی فولکلور مردم جامعه را بیان می‌کند. به عبارتی یعنی ما را از نوع زندگی مردم، دین و مذهب‌شان، آیین و مراسم‌هایشان، خوراک، پوشاک، مثل‌ها، جوانی و بچگی، زناشویی، علوم آن دوران، باورهای مردم و ... آگاه می‌سازد.

همه این موارد باعث می‌شود که ما به اهمیت بررسی آثار ادبیات فولکلور پی ببریم. زیرا نه تنها با مطالعه این آثار با فرهنگ و فولکلور مردم یک جامعه آشنا می‌شویم بلکه گاهی می‌توانیم به نکات تاریخی جالبی در این آثار دست یابیم.

۱. ییری سپیک، ادبیات فولکلور ایران، اخگری، محمد، انتشارات سروش، ص ۱۰.

ادبیات فولکلور تنها به ارائه آثار گذشته محدود نمی‌شود بلکه آفرینش دوباره آثار ادبی را نیز شامل می‌گردد.

ماکسیم گورکی شاعر بزرگ روسیه با اشاره به اهمیت ادبیات گذشته می‌گوید: افسانه‌های قدیمی، اسطوره‌ها و داستان‌ها برای ما آشنا به نظر می‌رسند. اما درک عمق مفهوم اولیه آن‌ها بسیار ضروری است. تلاش انسان‌های ماقبل تاریخ برای آسان کردن کارها، بالا بردن تولیدات و مبارزه با دشمنان چهارپا بود. آنان در مبارزه خود از قدرت کلام و سوگند خوردن به عناصری که آنان را در مقابله با مظاهر خصمانه طبیعت یاری می‌داد، بهره می‌جستند. این موضوع از آن جهت در خور توجه است که عمق اعتقاد انسان را به قدرت کلام نشان می‌دهد. هم‌چنین او می‌گوید که ادبیات فولکلور با بدبینی بیگانه است و بدون شناخت ادبیات فولکلور، شناخت تاریخ ملت‌ها ممکن نیست.^۱

با توجه به این مطالب درمی‌یابیم که فولکلور یا فرهنگ عامیانه مردم یک جامعه، عادات و اعتقاداتی است که نه تنها از پدران و هم‌کیشان و یا کسانی که در یک سرزمین با یک نژاد خاص زندگی می‌کرده‌اند، به ما رسیده، بلکه از تمامی افراد با نژادهای گوناگون به ما انتقال یافته است. دلیلی که برای این گفته می‌آوریم، اشتراکاتی است که شاید بتوان گفت از عصر حجر بر جای مانده است و یا وسایل و تصاویر مشترکی که از ملت‌های گوناگون به دست آمده است. برای مثال روشن کردن آتش با یک تکه چوب، شکار و ... چیزی است که در تمامی ملت‌های اولیه بوده و بعدها پس از جدا شدن و قبیله‌ای شدن افراد نه تنها این رسم باقی مانده بلکه رسوم و عادات دیگری بر آن افزوده شده است و این‌ها همگی دست به دست هم داده‌اند تا امروز ما هر جامعه و ملتی را با یک فرهنگ خاص مشاهده کنیم.

برای نمونه زندگی و رفتار و عقاید مردم در ایران کاملاً متفاوت با یک کشور اروپایی است. بنابراین ما می‌توانیم به اندازه تمام ملت‌هایی که در دنیا وجود دارد، فرهنگ معرفی کنیم که البته این ملت‌ها و فرهنگ‌هایشان می‌توانند نقاط مشترک زیادی داشته باشند. مثلاً

^۱ - همان، ص ۱۳.

شباهت‌هایی در زمینه ساخت و ساز، مشاغل افراد، وسایل زندگی، عقیده مشترک و ... به همین دلیل به نظر می‌رسد که بررسی فرهنگ مردمان پیشین، امری جالب باشد، زیرا نه تنها ما را به این نکته می‌رساند که آنان چگونه زندگی می‌کرده‌اند و دارای چه امکانات و چه باورهایی بوده‌اند، بلکه به ما در درک این که رسومی که امروزه در جامعه است، از کجا منشأ گرفته و یا دچار چه تغییراتی شده است و یا چه مواردی بر آن افزوده شده یاری می‌دهد.

در این رساله سعی شده است تا جایی که امکان دارد به موارد و اجزای فولکلور و فرهنگ مردم اشاره شود. این اجزاء دسته‌بندی‌های متفاوتی را شامل می‌شود. برای مثال گروهی از جامعه‌شناسان فرهنگ را به مادی و معنوی تقسیم می‌کنند و عنوان می‌کنند که فرهنگ مادی شامل چیزهایی است که قابل لمس است مانند لباس، خوراک، وسایل زندگی، ... و فرهنگ غیر مادی را شامل افکار و عقاید مربوط به اشیاء مثل زبان، ادبیات، نوع تفکر مردم، باورهای مردم ... می‌دانند. در این جا سعی کرده‌ایم که به تمامی و یا بهتر بگوییم اکثر این موارد که به نوعی زیرگروه فولکلور محسوب می‌شوند، پردازیم و با توجه به این بررسی دریابیم که فرهنگ مردم در قرن ششم (در این دو اثر) چگونه بیان شده و چه مقدار از آن فرهنگ امروزه در جامعه ما به چشم می‌خورد.

حال که منظور خود را از فرهنگ مردم به اختصار بیان کردیم به معرفی آثار برگزیده می‌پردازیم.

۲- معرفی آثار

الف) سمک عیار

داستان زیبای «سمک عیار» که توسط صدقه ابوالقاسم بیان شده و فردی به نام فرامرز بن خداداد آن را جمع آوری و تألیف نموده است، یکی از قدیمی‌ترین و بهترین و داستان‌های زبان پارسی است که خصوصیات برجسته و بی‌نظیری دارد. زمان نگارش این اثر به درستی مشخص نیست اما می‌توان بر اساس موازین سبک‌شناسی آن را اثری باقی مانده از قرن پنجم و ششم هجری دانست. زبان این اثر ساده و روان است. و ویژگی‌ها و لغات و تعبیرات جالب

توجهی دارد، ویژگی دیگر این که به نوعی بیان‌گر زندگی مردم، رفتار مردم، آداب و رسوم و عقاید آن‌هاست.

نامی از داستان **سمک عیار** و مؤلف آن در کتاب‌های دیگر به چشم نمی‌خورد. تنها با توجه به خود آن متوجه می‌شویم که نام مؤلف یا گردآورنده این اثر **فرامرز بن خداداد** است. از طرفی خود این فرد داستان را از زبان یکی از قصه‌گویان جامعه به نام **صدقه ابوالقاسم** ذکر می‌کند.

علت این ادعا، آن است که در جای جای کتاب شاهد جملاتی مانند: (چنین می‌گوید راوی، مؤلف اخبار، خداوند حدیث) هستیم. مطلب دیگر این که در بین داستان و درست در لحظه‌ای حساس راوی سخن خود را قطع می‌کند و خواننده را مشتاق و سردرگم نگه می‌دارد و از مردمی که آن‌جا هستند و به سخن او گوش می‌دهند تقاضای زر می‌کند و گاهی هم می‌گوید اگر زر ندارید، دعا کنید و یا سوره حمد برای جمع کننده این داستان فرامرز بن خداداد بخوانید، مانند، [ج ۵/۵۳۱] و [ج ۴/۱۰۱].

این مطالب ما را به این نکته می‌رساند که در آن دوران فرد قصه‌گو، در کوچه و بازار و میدان می‌ایستاده و شروع به نقلی می‌کرده و یا در قهوه‌خانه‌ها و مهمان‌خانه‌ها به این کار می‌پرداخته و چون درآمد خاصی نداشته از مردم به خاطر قصه‌گویی، طلب پول می‌کرده است. از سوی دیگر درمی‌یابیم که این داستان و داستان‌های رایج دیگر در آن دوران، همواره زبان به زبان توسط قصه‌گویان به گوش مردم در هر نقطه دنیا می‌رسیده است.

«این داستان از جمله داستان‌های رایج زمان بود که زبان به زبان می‌گشته و قصاصین روزگار آن را به شیوه داستان‌های دیگر سینه به سینه نقل می‌کرده‌اند و گویا بر اثر شهرتی که داشته قسمت‌هایی از آن و یا همه آن صورت نظم یافته بود. زیرا پاره‌ای از موارد کتاب ابیاتی هست درباره داستان که معلوم نیست از که بوده.»^۱

۱. صفا، ذبیح‌الله، **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۲، ص ۹۸۹.

برای نمونه زمانی که **عالم‌افروز** به زنی برمی‌خورد و او را نمی‌شناسد، با خود می‌اندیشد که او کیست؟ تا این که از او می‌پرسد. در این حال سمن‌رخ برای معرفی خود این شعر را می‌سراید.

«چه پرسى از من و نام نشانم
که من نام و نشانت نیک دانم
تو خود هستى سمک مرد زمانه
بمردى در جهان هستى یگانه
چو تو مردى بعالم هیچ مادر
نزادست و نزايد بیش و کم تر...»

با دقت در نکات سبک‌شناسی می‌توان گفت اثر مربوط به قرن پنجم و ششم هجری است.
دکتر ذبیح‌الله صفا می‌نویسد:

«اصولاً باید بدانیم که قرن‌های چهارم و پنجم هجری، دوره حکومت قاطع زبان پارسی دری است و به همین سبب نثر آن عهد نیز نمایشگر واقعی زبان و بیان عهد به نظر می‌رسد. زیرا تمام خصائص نثر ساده ابتدایی که فقط برای بیان مقصود به کار می‌رود، در نثر این عهد دیده می‌شود.»^۱

دکتر عبادیان نیز در این باره می‌نویسد:

«در این متن با دو گونه عناصر سبکی روبه‌رو هستیم. عناصری که شاخصه سبکی زبانی‌اند که روایت (نقل) کننده بدان سخن می‌گفته و به زبان محاوره در دوران خود نزدیک بوده که البته در مقایسه با زبان گفتگوی امروزه آن متفاوت می‌نماید و ... دیگر عناصری که به حکم خصلت دستوری‌شان عناصر سبک‌ساز متن را تشکیل می‌دهند.»^۲

نکته دیگری که در مورد سبک **سمک عیار** می‌توان گفت، این که این داستان دارای

۱. صفا، ذبیح‌الله، **نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام‌الملک طوسی**، انتشارات پارسی، ۱۳۴۸، ص ۱۱۵.

۲. عبادیان، محمود، **درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات**، انتشارات آوای نو، ۱۳۷۲، ص ۱۰۱.

سبکی با منسجم است و با حداقل وسایل بیانی بیشترین اطلاعات را به خواننده می‌دهد. همین‌طور ما سبک هنری و یا شخصیت پردازی قوی را در آن مشاهده می‌کنیم. در این داستان شخصیت‌ها اغلب واقعی به نظر می‌رسند و برای خواننده کاملاً ملموسند و تنها گاهی در جو خیالی و افسانه‌ای قرار می‌گیرند.

هرچند که زبان این داستان ساده و شیرین است اما علاوه بر ویژگی‌های سبکی و لغوی، می‌توان از دل آن به نکات قابل توجهی که به زندگی، آداب و رسوم، مراسم‌ها و حتی نکات ریز اخلاقی (مانند: راستگویی، عشق، عیاری، فداکاری...) اشاره می‌کند، پی برد.

ماجرای داستان از آن‌جا شروع می‌شود که «خورشیدشاه» پسر شاه حلب در یک روز آفتابی متولد می‌شود و منجمان طالع این کودک نورسیده را بلند و قوی می‌دانند. در نوجوانی این کودک، عاشق و شیفته و دل‌باخته دختر فغفور «مه‌پری» پادشاه چین می‌شود. دختری که در دست دایه جادوگر خود گرفتار است و این پیرزن جادوگر برای خواستگاران او نقشه‌ها کشیده و «خورشیدشاه» برای رسیدن به او در مسابقات و جنگ‌های زیادی شرکت می‌کند و ماجرا ادامه می‌یابد. دکتر **خانلری** در این باره می‌نویسد:

«بیشتر وقایع مجلد اول و دوم در چین و ماچین می‌گذرد. اما به خوبی پیداست که انتخاب این کشورها برای محل وقوع حوادث تنها از روی تفنن است و شاید گوینده پرهیز داشته است از این که نام مقامات و شهرهای ایرانی را بنویسد تا مبدا کنایه و تعریضی شود.»^۱

مطلب دیگری که از مطالعه این داستان زیبا و جذاب درمی‌یابیم این است که چون این گونه داستان‌ها با معیارهای داستان معاصر سازگار نیست و سینه به سینه نقل می‌شده، اغلب راویان نکاتی متناسب با دوران زمان خود به داستان اصلی که حتماً قدیمی‌تر بوده می‌افزودند، تا داستان در نزد شنوندگان قابل قبول جلوه کند. البته مطمئناً این دخل و تصرف‌ها در اصل داستان نبوده است. بلکه مربوط به مطالبی بوده که به نوعی خلاف عادت زمانه بوده و راوی با تغییر آن، قصد داشته تا داستان را به زمان

۱. نائل خانلری، **سمک عیار**، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶.